

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين

روایتی از امام حسن عسکری (علیه السلام)

به مناسبت روز ولادت با سعادت امام عسکری (علیه السلام)، روایتی ذکر می‌کنیم تا از این مطالبی که در این حدیث آمده بهره‌مند شویم. در این روایت امام عسکری علیه السلام يك وصيتي به همه شیعیان خود دارند. حضرت می‌فرماید: «أَوْصِيكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ»^[1]، این عبارت زیاد به گوش ما خورده، زیاد شنیدید و دیدیم، ولی آنچه مهم است این است که چه مقدار ما در زندگی خود، این تقوای الهی را عمل می‌کنیم؟ و اصلاً آدم يك محاسبه‌ای داشته باشد بر همین رعایت تقوا، حساب کنیم که چقدر ترك حرام کردم، چقدر انجام واجب کردم، چقدر خدایی نکرده ترك واجب کردم، آدم گاهی اوقات واجبات را ردیف کند، محرمات را هم ردیف کند، ببیند که واقعاً می‌شود از مصادیق متقین قرار بگیرد، خیلی مشکل است!

شاید همه ائمه ما آن لحظات آخر عمر خود یا خود امام عسکری علیه السلام در آن شذائت حکومت بني العباس، این مسئله سفارش به تقوای الهی را مطرح می‌کنند. تقوای الهی داشته باشیم، آدم در زندگی چقدر تقوا را رعایت می‌کند، در زندگی خانوادگی و فامیلی خودش، در زندگی علمی خودش، زندگی سیاسی، اجتماعی خودش، حسابرسی راجع به تقوا خیلی مشکل است.

«وَالْوَرَعَ فِي دِينِكُمْ»؛ یکی از فرق‌هایی که بین ورع و تقوا می‌گویند، آن است که ورع اجتناب از مشتهات است، اضافه‌ای که ورع بر تقوا دارد این است که يك کسی از مال مشته، پول مشته، از صدای مشته اجتناب کند. در زندگی‌های اغلب ما تلویزیون وجود دارد، اسم این تلویزیون جمهوری اسلامی است، اما برای من طلبه دلیل نمی‌شود که هر ساز و آوازی که در این تلویزیون هست را گوش بدهیم! حتی خودمان بنشینیم کنار بچه‌ها مثل یکی از آنها بشویم، گاهی اوقات آدم می‌نشیند با فرزندانش می‌بیند، لیکن آنجایی که می‌بینید حرام است، به بچه‌هایشان بگوئید این قسمت حرام است، من گاهی اوقات خودم عمداً پای يك برنامه‌ای می‌نشینم، هیچ هدفی هم ندارم مگر این که فقط به بچه‌ها بگویم اینجایش حرام است، اینجا مشته است، برای این که ما باید يك مقداری حساسیت روی موضوعات پیدا کنیم.

يك وقتی یکی از علمای قدیم (که به رحمت خدا رفت) برای ما نقل می‌کرد ایام زمستان که می‌شد، صبح زود که می‌آمدیم درب حجره را باز کنیم، می‌دیدیم پشت درهای تمام حجره‌های طلبه‌ها بعضی از بازاری‌ها زغال گذاشته‌اند، گفت خیلی از طلبه‌ها اجتناب می‌کردند و می‌گفتند نمی‌دانیم چه کسی آورده، از چه پولی آورده؟ حاضر بودند سرما را تحمل کنند، اما از این زغال مشته اجتناب نکنند! اما الآن وضع ما به کجا رسیده؟ اگر يك جایی هم به ما بگویند این حرام است، خدایی نکرده می‌گوئیم ان شاء الله که حلال است، این شدیم ما.

باید خودمان را اصلاح کنیم، من نمی‌خواهم برای خودمان یأس ایجاد کنم، خود یأس هم یکی از تیرهای کشنده ابلیس است که به

سمت انسان رها می‌کند و ایجاد یأس حرام است، هم مأیوس شدن حرام است، آدم از رحمت خدا مأیوس می‌شود می‌گوید من وضعم خیلی روشن است، امیدی به من نیست، این حرام است و ایجاد یأس در مردم نیز به یک معنا حرام است. من اعتقاد بر این است ما امروز نباید به مردم بگوییم ایها الناس هر چه می‌خورید حرام است، به چه دلیل؟! باید از مردم مراقبت کنیم، اما نباید بگوییم هر چه می‌خورید حرام است، این درست نیست، ایجاد یأس هم حرام است. نمی‌خواهم مأیوس شویم، باید مراقبت خودمان را هر چند یک ساعت مانده به پایان عمرمان، در همین یک ساعت مراقبت را شروع کنیم.

«وَالْاجْتِهَادُ لِلَّهِ»؛ برای خدا کار کنید، حرف بزنید برای خدا، درس بخوانید برای خدا، خدمت به مردم می‌کنید برای خدا، منبر می‌روید برای خدا، همه چیز برای خدا. «وَصِدْقُ الْحَدِيثِ»؛ راست بگوئید، چقدر در مسئله راستگویی در روایات ما تأکید شده، چقدر در روایات از همین امام شریف (امام عسکری علیه السلام) وارد شده که مفتاح تمام بدبختی‌ها کذب و دروغ است. و خدایی نکرده اگر این دروغ از یک کسی مثل من طلبه سر بزند چه خواهد شد؟! در درس گذشته گفتم انسان گاهی اوقات اینها را تکرار می‌کند از یک جهت برای انسان سخت است، اگر آدم ببیند یک روحانی دروغ گفت، این دین از چشم او می‌افتد، دین از چشم مردم می‌افتد.

«وَأَدَاءُ الْأَمَانَةِ إِلَى مَنْ ائْتَمَّكُمْ مِنْ بَرٍّ أَوْ فَاجِرٍ»؛ امانت‌داری کنید. «وَطُولُ السُّجُودِ»؛ تأکید می‌کنم طول سجود را، از برنامه‌های روزانه خودمان قرار بدهیم، نمی‌گوییم نیم ساعت و یک ساعت، یکی از بزرگان اخلاقی نقل می‌کرد از زهاد صدر اسلام و اصحاب امیرالمؤمنین علیه السلام که گاهی اوقات یک شب تا صبح را سجده می‌کرد، ما در احوالات ائمه (علیهم السلام) (امام سجاد علیه السلام و ائمه دیگر) داریم بعد از تعقیبات نماز صبح تا طلوع آفتاب سجده می‌کردند، این حالت برای اینها چطور بوده؟ آن زمینی که این افتخار را داشته که حضرت بر آن زمین سجده می‌کرده، خیس بوده از اشک آن حضرت!

تأسی به ائمه (علیهم السلام) همین است ما این قدرت را نداریم بالأخره از زمانی که نماز تمام می‌شود تا طلوع آفتاب، بیش از یک ساعت و ربع طول می‌کشد و نمی‌توانیم این مدت زمان سجده کنیم، یک مقداری را سر به سجده بگذاریم، مفتاح بسیاری از برکات است، خیلی از برکات نصیب انسان می‌شود و این هم یکی از سفارش‌های پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) و همه ائمه (علیهم السلام) بوده است. «وَحُسْنُ الْجَوَارِ فَبَهْدًا جَاءَ مُحَمَّدٌ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)»؛ پیامبر برای رعایت همین تقوا، ورع، صدق حدیث، اداء امانت، طول سجده آمد.

«صَلُّوا فِي عَشَائِرِهِمْ وَاشْهَدُوا جَنَائِزَهُمْ وَعُودُوا مَرْضَاهُمْ وَأَدُّوا حُقُوقَهُمْ»؛ این ضمائری به اهل عامه برمی‌گردد. می‌فرماید در قبائل اینها نماز بخوانید، در تشییع جنازه‌شان شرکت کنید، از مریض‌هایشان را عیادت کنید، حقوق اینها را ادا کنید. «فَإِنَّ الرَّجُلَ مِنْكُمْ إِذَا وَرَعَ فِي دِينِهِ وَصَدَّقَ فِي حَدِيثِهِ وَأَدَّى الْأَمَانَةَ وَحَسَنَ خُلُقَهُ مَعَ النَّاسِ قِيلَ هَذَا شَيْعِيٌّ»؛ اولین ملاک شیعه بودن ورع در دین است، هر شیعه‌ای باید ورع در دین داشته باشد، بالاتر از تقوا.

ما باید خیلی از خودمان مراقبت کنیم، از این لباس خیلی مراقبت کنیم، یک وقت می‌بینیم یک روحانی عکسش را انسان می‌بیند عمامه سفید، عبا سفید، قبا سفید، پیراهن سفید، جوراب سفید، نعلین سفید، برای چه؟ اسمش را می‌گذارد نظم. آقایان! مردم این را از ما نمی‌خواهند، مردم یک لباس مناسب، نمی‌گوئیم که رنگ‌های خیلی ناهمگون باشد، آن هم درست نیست و خودش به یک معنا از مصادیق لباس شهرت می‌شود، ولی اینکه انسان اینطوری بگوید این ملاک برای انسانیت و تدین است، صحیح نیست.

ما وجودمان باید به گونه‌ای باشد مثل این روایت که وقتی مردم به عالمی نگاه می‌کنند، «یذکرکم الله رؤیته»؛ شما را به یاد خدا و قیامت می‌اندازد، آیا این گونه روش مردم را به یاد خدا می‌اندازد؟! ورع در دین اگر برای همه شیعه مطلوب است، برای من و شما واجب است، نمی‌گوییم وجوب فقهی دارد. گاهی اوقات دو تا طلبه از کنار هم رد می‌شویم، نه من به او سلام می‌کنم و نه او به من سلام می‌کند، چه برسد به این که به مردم سلام کند! گاهی خود من به یک طلبه‌ای که واقعاً هم او را نمی‌شناختم سلام

می‌کنم، خیلی خیلی عنایت بفرمایند آهسته جواب سلام می‌دهند، چرا؟ باید ما اینها را در خودمان حل کرده باشیم. ما هنوز در این مسئله مانديم.

بعد از بحث اصول، امروز یکی از آقایان گفت دیروز يك جلسه‌اي بودیم راجع به یکی از آقایان، چقدر حرف زدند، چقدر نسبت‌ها دادند و مطالب گفتند، من دفاع کردم و آن آقای که این نسبت‌ها را می‌داد، متأسفانه پیرمرد بود. گفتم بدبختی همین است آدم اگر در این سنین 20 تا 40 سالگی خودش را از جهت معنوی نسازد، روز به روز بدبخت‌تر می‌شود، فرق نمی‌کند، به سن پیری که برسد، زبانش همان نیش عقربی است که می‌گزد.

مثلاً به يك آقای گفتیم من درس يك آقای می‌روم. گفت مگر او بلد است که درس بگوید؟! این چه حرفی است که می‌زنی؟! آیا فقط تو بلدی درس بگویی و کس دیگری بلد نیست! ما مسائل را برای خودمان حل نکردیم و خودمان را نساختیم، خودمان خیلی گرفتاریم، هر روز هم در این باتلاق منیت و خودیت فرو می‌رویم، نمی‌توانیم اصلاً همدیگر را تحمل کنیم، متأسفانه این حوزه ما چقدر گرفتار این مسائل است؟! اگر می‌بینید يك طلبه جوانی رسائل می‌گوید و درسش 200 نفر می‌آید خوشحال شو، خدا را شکر کن، وقتی دیدیش دستش را ببوس و تشویقش کن.

من یادم می‌آید مرحوم والد ما رضوان الله علیه می‌فرمودند يك عده از فضلا از من خواستند که مکاسب را شروع کنم، همان زمان يك آقای در حوزه بود که درس مکاسب را، تقریباً هفت هشت سال قبل از ما شروع کرده بود و کرسی تدریس مکاسب را داشت. من درس را که شروع کردم يك روز طلبه‌اي بعد از درس آمد گفت: شما با فلان آقا مشکلی داری؟ اختلافی داری؟ چه مشکلی دارم، گفتم چطور شده؟ گفت امروز این آقا در درسش گفت ببینید حوزه به کجا رسیده، بچه‌ها دارند مکاسب می‌گویند! گفت همه فهمیدند که مقصودش شما هستید.

پدرم می‌فرمود گفتم برو به ایشان سلام برسان، بگو جواب شما دو ماه دیگر هست، فرمودند من هر روز درس را قوی‌تر القاء کردم، طبق برنامه خودم بود، هر روز جمعیت درس بیشتر شد، جمعیت درس آن آقا با آن سابقه‌اش کم شد، تا جمعیت صد نفره آن زمان رسید به چهار نفر! ما از اینها درس بگیریم، اگر دیدیم کسی درس می‌گوید سعی کن قوی‌تر درس بگویی، این اتفاقاً خوب هست، تو برای اینکه حضور و وجود خودت را حفظ کنی قوی‌تر درس بگو، حالا نتوانستی اما چرا دیگری را خراب می‌کنی؟! باید خیلی مراقبت کنیم، اخلاق که پیامبر اکرم (صلي الله عليه وآله) برای همین مکرمت‌های اخلاقی مبعوث شد و فرمود من برای اینکه اینها را پیاده کنم مبعوث شدم، باز خودمان اینها را پیاده کنیم.

حضرت فرمود اگر کسی ورع در دین و صدق در حدیث داشته باشد، ما صدق در حدیث که نداریم هیچی، مفصلاً غیبت می‌کنیم، تهمت می‌زنیم مفصل‌تر، نسبت می‌دهیم زیاد، اصلاً واقعاً حوزه خیلی حوزه عجیبی شده، گاهی اوقات بعضی از افراد مثلاً نسبت می‌دهند به يك آقای و می‌گویند این آقا از اول ضد انقلاب بوده، یعنی چه؟ اصلاً خبر ندارد که این آقا در انقلاب کجا بوده؟ چه کرده؟ چه وظایفی را برای انقلاب انجام داده، آن موقعی که اینها متولد نشده بودند، اینها جزء صف اول انقلابی‌ها بودند و هستند، ولی به راحتی می‌گویند اینها ضد انقلاب و امام و رهبری هستند، ضد ولایت فقیه‌اند، به راحتی الفاظ را قطار می‌کنند، اما هیچ فکر نمی‌کنند که چه زمانی باید جواب اینها را بدهند؟ در حوزه متأسفانه این بلیه‌ها وجود دارد. ورع در دین داشته باشیم، صدق حدیث داشته باشد.

«وَحَسَنَ خُلُقُهُ مَعَ النَّاسِ قِيلَ هَذَا شَيْعِيٌّ فَيَسْرُئُنِي ذَلِكَ»؛ این مربوط به زمان حیات ائمه (علیهم السلام) نیست، الآن که مسلم امام زمان (عج) حضور دارد و ما خیلی از آن حضرت غافلیم، می‌گوئیم ما سرباز امام زمان (علیه السلام) هستیم، آیا می‌خواهیم يك حرفی بزنیم؟ لاقلاً این فکر را بکنیم که امام زمان (علیه السلام) از این حرف راضی است یا نه؟ چند درصد از ما حرفه‌ای‌مان را قبل از اینکه بزنیم، فکر کردیم امام زمان (علیه السلام) راضی است یا خیر؟ یا این که می‌خواهیم يك کاری انجام بدهم، آیا امام

زمان از این خوشحال می‌شود یا ناراحت می‌شود؟ یا این که دنبال نفسانیت خودم هستم و می‌خواهم بالأخره نفسانیاتم و بدبختی‌های خودم را به کرسی بنشانم.

این معیار را داشته باشیم، می‌خواهم این درس را بخوانم، این درس آیا مرضی رضایت امام زمان (علیه السلام) است یا نه، می‌خواهم این انتقاد را به دروس حوزه کنم. با تمام فکری‌هایی که دارید کنار تمام پازل‌هایی که برای فکرمان تنظیم می‌کنیم، یک قسمت عمده‌اش این باشد که خدا و پیامبر (صلي الله عليه وآله) راضی هستند یا نه؟ یک زحمت مفصلی را شیخ انصاری (قدس سره)، اساتید شیخ، شاگردان شیخ، این همه کشیدند من طلبه‌ی کم سواد می‌گویم همه اینها بی‌خود است، همه اینها زائد است، درس بخوان، تو درس نخواندی! مباحثی را ادعا می‌کنی زائد است که ثمرات فراوانی در علم اصول دارد، من نمی‌دانم چطور جرأت می‌کند می‌گوید اصلاً ثمره ندارد. تو نفهمیدی، من کار به این بحث علمی‌اش ندارم، مقداری این جهات را رعایت کند.

من یک حرفی بزنم که اکثر طلبه‌ها خوششان بیاید، من امروز بگویم حوزه را تعطیل کنیم، همه خوشحال می‌شوند، چه کسی هست که خوشحال نشود! یک فامیلی داشتیم که خیلی آدم شیرینی بود، خدا رحمتش کند امام رضوان اله تعالی علیه خیلی به ایشان علاقه داشت و معروف بود به آقای حاج داداش، دایی پدر ما بود. اولاً آدم خیلی ملایمی بود که پیش مرحوم امام فلسفه خوانده بود و امام می‌فرمود من برایش خصوصی فلسفه گفتم؛ برای اینکه خیلی خوب می‌فهمید و با استعداد بود، داستان‌هایی دارد. او می‌گفت یک هفته ده روز حوزه تعطیل است، آدم تعطیلی را درک نمی‌کند، می‌گفتم پس چطوری باید درک بشود؟ گفت مثلاً بگویند سی سال حوزه تعطیل است!

ما نباید یک حرفی بزنیم که اینطوری باشد، امروز ببائیم همه این کتاب‌ها جمع‌آوری شود، بعد چی؟ اینکه خدمت به حوزه و دین نیست، اینکه خدمت به فقه نیست، حالا اگر انسان واقعاً خودش را متکی به خدا کند، اینطور افسار گسیخته حرف نمی‌زند، من اگر امروز گفتم نائینی (قدس سره) هیچی نمی‌فهمد! بیداست که این نفهمی خودم هست. فلانی در فلسفه کمتر از این است که چیزی بفهمد! باید حرفها را نشست یکی یکی بررسی کند و حرف‌های حسابی را جدا کند، اشکال دارد جدا کند. خلاصه این که اگر واقعاً خودمان را به خدا بسپاریم، خدا دستانمان را در همه مراحل می‌گیرد، اما اگر دنبال این هستیم که خودمان باشیم مشکل پیدا می‌کنیم.

حضرت در ادامه دوباره می‌فرماید: «اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا زَيْنًا وَلَا تَكُونُوا شَيْنًا جُرُوا إِلَيْنَا كُلُّ مَوَدَّةٍ وَادْفَعُوا عَنَّا كُلَّ قَبِيحٍ فَإِنَّهُ مَا قِيلَ فِينَا مِنْ حُسْنٍ فَنَحْنُ أَهْلُهُ وَمَا قِيلَ فِينَا مِنْ سُوءٍ فَمَا نَحْنُ كَذَلِكَ»؛ محبت‌های مؤمنین را به سمت ما جلب کنی، هر چه که خوبی برای ما گفته می‌شود، ما اهلش هستیم و هر چیزی که مصداق قبیح است، از شیعه و اهل‌بیت دور است و هر چیزی که مصداق حسن و حسن است، مربوط به اهل‌بیت است.

«لَنَا حَقٌّ فِي كِتَابِ اللَّهِ وَقَرَابَةٌ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ وَتَطْهِيرٌ مِنَ اللَّهِ لَا يَدْعِيهِ أَحَدٌ غَيْرُنَا إِلَّا كَذَابٌ»؛ ائمه ما سه خصوصیت دارند که امام عسکری (علیه السلام) در اینجا می‌فرماید: قرآن بدون اهل‌بیت، هیچی برای ما معنا ندارد، «قَرَابَةٌ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ، وَ تَطْهِيرٌ مِنَ اللَّهِ»، عصمتی که خدا به ما داده، فقط کذاب است که می‌تواند اینها را ادعا کند.

حضرت در آخر فرمود چند چیز در زندگی‌تان زیاد باشد: «اَكْثَرُوا ذِكْرَ اللَّهِ وَ ذِكْرَ الْمَوْتِ وَ تِلَاوَةَ الْقُرْآنِ وَ الصَّلَاةَ عَلَى النَّبِيِّ (صلي الله عليه وآله) فَإِنَّ الصَّلَاةَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ عَشْرُ حَسَنَاتٍ»؛ تلاوت قرآن را زیاد کنید و صلوات بر پیامبر (صلي الله عليه وآله) زیاد بفرستید که ده حسنه دارد. اگر ذکر خدا، ذکر موت، واقعاً در زندگی ما زیاد باشد، لغزش و بدبختی و سوء العاقبه و گناه اصلاً تصور نمی‌شود، ما از اینها غافلیم، ذکر خدا زیاد کنید، کسی که ذکر خدا را می‌گوید، شیطان از او دائماً دور می‌شود؛ یعنی انکار هر چند انکار لسانی‌اش، موجب دور کردن شیطان از حریم قلب انسان است، یاد مرگ موجب دور شدن انسان از دنیا است، انسان زیاد یاد موت می‌افتد که نوبت من هم می‌رسد، باید پاسخ بگویم آیا آماده هستم یا نیستم، و تلاوت

اميدواريم ان شاء الله آنچه امام عسكري(عليه السلام) فرمودند، همه موفق به عمل به آن شويم و ان شاء الله شيعه واقعي و سرباز واقعي براي امام زمان(عليه السلام) باشيد.

وَصَلَّى اللّٰهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

[1] □ «وَقَالَ (عليه السلام) لِشِيعَتِهِ أُوصِيكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ وَالْوَرَعِ فِي دِينِكُمْ وَالِاجْتِهَادِ لِلَّهِ وَصِدْقِ الْحَدِيثِ وَأَدَاءِ الْأَمَانَةِ إِلَى مَنْ انْتَمَيْتُمْ مِنْ بَرٍّ أَوْ فَاجِرٍ وَطُولِ السُّجُودِ وَحُسْنِ الْجَوَارِ فَبِهَذَا جَاءَ مُحَمَّدٌ (صلي الله عليه وآله) صَلُّوا فِي عَشَائِرِهِمْ وَاشْهَدُوا جَنَائِزَهُمْ وَعُودُوا مَرْضَاهُمْ وَأَدُّوا حُقُوقَهُمْ فَإِنَّ الرَّجُلَ مِنْكُمْ إِذَا وَرَعَ فِي دِينِهِ وَصَدَقَ فِي حَدِيثِهِ وَأَدَّى الْأَمَانَةَ وَحَسَنَ خُلُقَهُ مَعَ النَّاسِ قِيلَ هَذَا شِيعِيٌّ فَيَسْرُنِي ذَلِكَ اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا زَيْنًا وَلَا تَكُونُوا شَيْنًا جُرُّوا إِلَيْنَا كُلَّ مَوَدَّةٍ وَادْفَعُوا عَنَّا كُلَّ قَبِيحٍ فَإِنَّهُ مَا قِيلَ فِينَا مِنْ حُسْنٍ فَنَحْنُ أَهْلُهُ وَمَا قِيلَ فِينَا مِنْ سُوءٍ فَمَا نَحْنُ كَذَلِكَ لَنَا حَقٌّ فِي كِتَابِ اللَّهِ وَقَرَابَةٌ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ وَتَطْهِيرٌ مِنَ اللَّهِ لَا يَدْعِيهِ أَحَدٌ غَيْرُنَا إِلَّا كَذَابٌ أَكْثَرُوا ذِكْرَ اللَّهِ وَذَكَرَ الْمَوْتَ وَتَلَاوَةَ الْقُرْآنِ وَالصَّلَاةَ عَلَى النَّبِيِّ ص فَإِنَّ الصَّلَاةَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ عَشْرُ حَسَنَاتٍ أَحْفَظُوا مَا وَصَّيْتُكُمْ بِهِ وَاسْتَوْدِعُكُمْ اللَّهُ وَأَقْرَأُ عَلَيْكُمُ السَّلَامَ.» تحف العقول، النص، ص: 488-487 و بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج75، ص: 372.